تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملت‌الشعراء بهار
از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی
جلال رحیمیان

سمه جوکار

دانشگاه شیراز

چکیده

تحليل انتقادی گفتمان به عنوان روش‌هایی در تحلیل متن و گفتمان، بر این اصل استوار است که هیچ گفتمانی خالی از ادبیات‌لوزی نیست و تلاش می‌کند که روابط پنهان قدرت، نابرابری اجتماعی و سوسیال‌سیاسی از قدرت‌ها بر زبان سیاسی تحلیل گران انتقادی پیشرفت به اساس طبقه‌بندی‌های زبان‌شناسی برای تحلیل گفتمانی می‌پردازند. در حالی که عواملی از مؤلفه‌های فرهنگ‌سازی شناسی‌های گفتمانی بهره می‌برد. نگارندگان انتقادی به اشعار سیاسی بهار ضرورت ترجمه و بررسی کنند که مشخص شود که بهار در دوران پرینت و بررسی، چگونه کارگزاران اجتماعی و عاملان عملی را به تصویر می‌کشد. این نکته به هدف تحقیق، نخست ابتدا گفتمان‌شناسی با یک‌نگاهی به سیاست‌های نهایی به التم‌شناس شده است. این عملیات مشابه سیاست‌های جامعه‌شناسی-معنا در هر یک از مشخصات گردد. و بی‌پنهانی‌ای آرامش و طبیب مولفه‌ها، فعالیت ارگانی‌های شورش، و صریح ترمه شده در نهایت و پس از تحلیل کمی و کیفی، نتایج زیر حاصل شد: نخست آنکه بهار برای بازماندگان فعالیت سیاسی و صحبان قدرت، از صریح ترین مؤلفه‌ها از جمله نابرابری و فلوکس‌سازی استفاده کرد: اکثر بهار مدل سیاست‌های پرتره‌برداری بر ارزشهایی اشتراک‌گذاری می‌کند. با ارائه تحلیل‌های فعالیت‌های بهار دیدگاه خود را درباره کارگزاران اجتماعی، یا به کارگذاری مؤلفه‌های ارزشهایی بیان کرد. است: در اشعار مسی و سیاست‌های جامعه‌شناسی بهار و صریح ترمه، پس از حضور بهار در بازماندگان اجتماعی.

واژه‌های کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، مؤلفه‌های جامعه‌شناسی-معنا، مؤلفه‌های پویشده و صریح، اشعار سیاسی بهار.

jrahamian@rose.shirazu.ac.ir

استاد زبان‌شناسی مقاومت‌یاب‌ای

sn.jowkar@yahoo.com

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

تاریخ دریافت مقاله: 93/07/20

تاریخ پذیرش مقاله: 93/10/13

93/10/13
1. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقاداتی که خود ریشه در حکمتیار عنوان «زبان سنسنی انتقاد» دارد، رویکردی است که کارکرد زبان را در عرصه‌های سیاسی و جامعه بررسی می‌کند. این رویکرد، زبان را به عنوان مفهومی «خشنی» و «شفافیت» در نظر می‌گیرد، بلکه بر کارکردهای اجتماعی و ایدئولوژیکی زبان در تولید و تغییر ساختارها و روابط اجتماعی تأکید می‌کند. (سیمپسون و مایر، ۲۰۱۱) در حقیقت، تحلیل گفتمان انتقادی به ارتباط بین گفتمان، قدرت، ایدئولوژی و اجتماع می‌پردازد. این روش زبان را به عنوان یک فعالیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. تحلیل گفتمان انتقادات علاقه‌ای خاصی به ارتباط میان زبان و قدرت زبان را به دار و فقدان رابطه بین سلطة، تبعیض، قدرت و حکومت را آن چنین تحلیل کرده که در زبان نمود پیدا می‌کند. (ووداک و میبر، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱: ۵) ترکیب گیلدل (۱۹۸۹) معتقد است که می‌توان هیچ‌گاه به غرض و خالی از ایدئولوژی نیست و در این همکاریهایی را از حقایق اجتماعی جدا کرد. (پالتریدج، ۱۹۸۸) در حقیقت، تحلیل گفتمان انتقاداتی در صدد کشف رابطه بین زبان و فکر اجتماعی و سیاسی است که در آن بافت، زبان استفاده می‌شود، بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی گفتمان نوشته‌ای و یا گفتاری، تأثیرات جامعه بر گفتمان، ایدئولوژی، روابط قدرت و چگونگی تولید و بازی نمود آن در زبان می‌پردازد.

هرچند تحلیل انتقاداتی گفتمان بر مبنای گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی تکیه دارد، ایده‌ها و آثار هنری و ادبی نیز می‌توانند در حکمتیار ارتباط و انتشار عقاید و افکار بسیار داشته باشند. از این رو می‌تواند بر رویکرد تحلیل و تفسیر آزاد زبانی همچون روزنامه‌ها، مقالات، کتاب‌ها، اشعار و رمان‌ها به عنوان یک آورده‌ای به احساس دانشوران و صاحبان دوچرخه ایده‌ای است به سوی حوادث و وقایع موجود جامعه و ابراز افراد نیز اغراق و عقاید.

ایران عصر مشروطه، روزگار پرحدد و خیرخوید بود که قلم نویسندگان و شاعران آزادی خواهی در جهت آگاه کردن مردم و جهت دادن به جنبش‌های انقلابی و نیز نتایج و ضبط این حوادث و رخدادها نقش آفرین کنست. مکث مشعر بی‌بار به عنوان

1 Simpson and Mayer
2 Wodak and meyer
3 Gold
4 paltridge
تصویرسازی کارگرانان اجتماعی در اشعار سیاسی ملل متحد و جهان... 

انتشار آزادی خواهی، شاعری زیرساخت و سیاستمدار دلسوز، از این قاعده مستثنی نبود.
وی در اشعار هم‌زمان با بیان حوادث و رخدادهای مشروطه، با ظلم و بی عدالتی پادشاهان قاجار و از پی آن پادشاهان پهلوی به مبارزه برخاست و مردم را به باری مشروطه، و ستم مستحری فراخواند.

بانیان جا دارد که اشعار سیاسی وی که به حق آینده تاریخ این دوره است، برای بازیابی و مشخص شدن عاملین عمل و کارگرانان اجتماعی، روابط قدرت و ایدئولوژی حاکم بر اشعار، از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی مورد بررسی و تحلیل شود.
برای بررسی و تحلیل متن در چارچوب تحلیل گفتمان، انتقادی روبرو ها و
مصار بر دو نوعند: زبان‌شناختی (linguistic) و یا جامعه‌شناختی معنایی (sociosemantic).

اکثر تحلیل گران گفتمان انتقادی، گفتمان را از بعد زبان‌شناختی بررسی کنند در حالی که ون لیوون در تحلیل خود از موافقت‌های جامعه‌شناختی معنایی استفاده می کند. وی معتقد است که موافقت‌های زبان‌شناختی در اکثر موارد با موافقات جامعه‌شناختی منطقی نیست. به عقیده ون لیوون، مشخص کردن عامل یک عمل (کشگر) و پذیرش آن (کش‌های‌پذیر) در یک گفتمان بسیار مهم است: چرا که باعث درک بهتر می‌شود. به طور مثال در جملهٔ «متصرفی مورد شکنجه قرار گرفتن،» «معترضان در جای‌های ناحیه عامل و فاعل قرار گرفته است؛ اما در حقیقت کش‌های‌پذیر است.» (ون لیوون، 2008: 23) همانطور که ذکر شد، ون لیوون در رویکردی خود از موافقت‌های جامعه‌شناختی-معنایی سخن به میان آورده است که در قسمت‌های بعد به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت.

1. هدف و سوالات تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی بر این بار است که هر متنی یک بار ایدئولوژی‌کی دارد و

1 Van Dijk
2 fairclough
3 kress
4 Van leeuwen
چگونگی کاربرد زبان منطقی این عقاید و ایدئولوژی‌ها را در جامعه بیان نکند. (پارسیخ، ۱۳۹۴) این رویکرد زمینه‌ای فراهم می‌کند که پژوهشگر روابط بین‌المللی قدرت، فراکسیون‌های ایدئولوژیکی و جایگاه اربابان قدرت را در زوایایی متفاوت بررسی می‌نماید.

نگارنده برآن است که اشعار سیاسی بهار را که خود از سیاستمداران عصر مشروطه است، بر اساس انگیزه و لیبرال تحلیل و بررسی نماید. نا. ۱ جایگاه کارگزاران اجتماعی، صاحبان قدرت و گروه‌های صاحب نفوذ و چگونگی پاسخ‌گویی آنها و ۲. نگرش شاعر درباری این امور مشخص گردید.

برای نیل به این اهداف، سوالاتی مطرح شده است که عبارتند از: ۱. با توجه به اوضاع سیاسی وقت، بهار چگونه از کارگزاران اجتماعی یاد می‌کند؟ آیا با صرخات از آنان نام می‌برد یا ترجیح می‌دهد که پوشیده‌سنج بگوید؟ ۲. بهار به چه میزان از مولفه‌های جامعه شناختی - معنایی در اشعار بهر برده است؟ ۳. گرایش بهار نسبت به استفاده از کدام مولفه‌ها بیشتر بوده است؟

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات متعددی از سوی پژوهشگران با بهره‌گیری از رویکرد لیبرال و مولفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی انجام شده است که به طور اجمالی به ذکر نموده می‌باشد. جیدری و اخوان (۱۳۸۳) با عناية به مولفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، مقاله‌ای از روزنامه‌های ایران را بررسی و تحلیل کردند. بارونیچر (۱۳۸۵) با به کارگیری مولفه‌های کلمن‌مار (نام‌دهی اسبسازی، رادیولی، چروح) به بررسی تعداد معینی از سرمقاله‌های روزنامه‌های ایران پرداخته است. در تحقیق دیگری، فلاحی (۱۳۸۶) با بهره‌گیری از مولفه‌های کلمن‌مار جامعه‌شناختی - معنایی به بررسی شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در ۸ نشریه‌های سال‌های آخرین دوره مشروطه پرداخته است؛ صاحبی و دیگران (۱۳۸۹) ضمن معرفی الگویی مذکور، به بررسی و تقدیم قطعه‌ای از کلیه‌سان معاصر پرداخته اند. بارونیچر و دیگران (۱۳۸۹) نیز در چارچوب مولفه‌های لیبرال، به بررسی دانسته‌های کوتاه داستان‌های سیاسی و سیاسی تاکید کرده‌اند. در تحقیق مشابهی جهانپرست (۱۳۸۰) با بررسی مولفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در بررسی داستان‌های از شاهانه و بهمن نامه، تلاش کرده است که شباهت‌ها و تفاوت‌های تصویرسازی
کارگزاران اجتماعی در دو روايت، متفاوت از ماجراهای کین‌خوانی به‌هم‌نیشان مشخص کنند. رستگار (۱۳۹۰) این اگر را برای تحلیل و بررسی چگونگی بازماندی شخصیت زن در رمان چوگانی، را مخمول می‌کند برگزاری است. آنا یوزه (۱۳۹۳) نیز رویکرد ون لیمون را برای تحلیل کتاب میان دیورز و فردی انتخاب کرده است.

افزون بر مقالات پایشده، تحقیقاتی بر روی اشعار بهار انگام شده است از جمله:

فرهادی (۱۳۷۹) با توجه به قرآن و شیعه چوگانی در شعر و ادبیات محمدی به‌بار و احمد شوقی، به بررسی تطبیقی واقعیت این دو پرداخته است. در تحقیق دیگری، محصلی (۱۳۸۹) به بازتاب زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی آیات و آحادیث در شعر بهار پرداخته است. بدین‌ی است که در هیچ یک از تحقیقات ذکر شده، اشعار بهار برای نشان دادن چوگانی بارمنهای کارگزاران اجتماعی و همچنین ایشان‌لوژی آزادی خواهی و مستقل‌بودن یی بررسی نشده است. بنابراین یک دارا ت اشعار وی طبق الگوی جامعه‌شناختی، معناپذیری ون لیمون تحلیل شود.

۳. روش تحقیق

برای رسیدن به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سوالات، از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. در قسمت کیفی، ابتدا برای اشعار بهار به دقت بررسی شد و بر اساس زمان سروند اشعار و مراجعه به حوادث تاریخی آن زمان و موضوع و عنوان آنها، ابزاری که بیان‌خواهی سیاسی داشت انتخاب شد؛ سپس ابزار مورد بر اساس الگوی ون لیمون به منظور یافتن مولفه‌های جامعه‌شناسیی معناپذیری و تحلیل گردد. در گام بعدی، با استفاده از روش‌های آماری، سامان رخ داد هرکدام از مولفه‌ها و درصد آنها محاسبه شد. دکتر این نکته ضروری است که از میان مولفه‌های جامعه‌شناسی‌ی معناپذیری، برخی صریح و صریح (explicit) است. بنابراین ممکن است که این نکته ظریف است انتخاب که از میان مولفه‌های کارگزار اجتماعی را به صریح و صریح به‌صورت می‌کند و برخی دیگر (پوشیده) که در این حالت، هریت کارگزار اجتماعی مشخص نمی‌شود. برای نشان دادن درصد به کارگر مولفه‌های پوشیده و صریح، از مولفه زیر بهره جستیم:

\[
\text{درصد مولفه‌های پوشیده/صریح} = \frac{\text{مجموع ارجاعات پوشیده/صریح}}{100}
\]

کل ارجاعات (پوشیده و صریح)
سازنده بر اساس تفسیرهای و درصد کاربرد هرکدام از مؤلفه‌ها و میزان ارجاعات پوشیده و صریح، چگونگی پذیرش افراد اجتماعی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی بهار مشخص گردید.

۳.1. مؤلفه‌های جامعه‌شناسی - معنی‌های
همهی کارگزاران اجتماعی، به دلایل مختلف کفتنمایی در دو سنی نشود. کارگزاران اجتماعی یا توجه به هدف و نیت تولید کننده گفتنمایی (گونینده با نویسنده) می‌توانند در متنی ذکر و یا از آن متن حذف شود؛ بنابراین پذیرش افرادی کارگزاران اجتماعی به دو صورت کلی می‌شود: حذف یا ذکر.

(Exclusion)

۳.1.۱. حذف
در جامعه‌ای «حذف» کارگزار اجتماعی بدون قصد و نیت انجام می‌شود و بر این است که خواننده یا شنونده قادر به تشخیص کارگزار اجتماعی نباشند؛ اما حذف کارگزار می‌تواند علائمی هم باشد. حذف می‌تواند به دو شکل صورت پذیرد: «کنترل» (Backgrounding) و یا «پس زمینه‌سازی» (Suppression) گویند انجام می‌شود که این اثر از کارگزار اجتماعی بر جا مانند و بالطبع در این حالت، کارگزار را نمی‌توان بازیابی و شناسایی کرد. در پس زمینه‌سازی، یا کارگزار اجتماعی در جایی دیگر از متن ذکر شده یا رئیسی اعمال و رفتار او را ناشناخته است.

در این صورت بازیابی کارگزار اجتماعی ممکن خواهد بود. (دون لیون، ۲۰۰۸)

کنترل
کشور ایران ز ایلیو فتنه در خطر است ای وطن خواهان زنها وطن در خطر است
(همان: ۱۹۸)

در بیت بالا، فتنه گران به عنوان عامل عمل مشخص نشدنند.
در آوریا پیشتن‌ام و از را و او از یکن‌پخت و پرها گشت‌ه مست
(همان: ۲۱۸)

چه کسی (کسیها) افکار و عقاید ناصرالملک را تحت تأثیر قرار داده‌اند؟
فتنه‌ها اشکار می‌پیمی دست‌ها توی کار می‌پیمی به تساوی خشک مغزی چند / نظروها
آباد می‌بینم / گاز احراز در تک زندان / یا به بالایی دار می‌بینم (همان: ۵۴۴)
ترویج سازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک الشهدا بپرداز

در ایبادت یاد شده، فتنه‌گران و افرادی که عامل کشته‌ای آزادی خواهان هستند، اشکار نشده‌اند.

پس زمینه‌سازی

آنچه پسندیده‌ای که خوسته‌ای به ایشان نخورشند این گروه باید توسط یک انسان آمر

(همان: 21.

در بیت بالا، مرجع «این گروه» و «ایشان» مربوط به قوفان است و مرجع «خوسته» حاکم

قوفان. این کارگزاران اجتماعی در ایبادت پیشین بیان شده‌اند؛ پس در این بیت از پس

زمینه‌سازی استفاده شده است.

کانتنزا زندگی به بروخیش

(همان)

حاکم قوفان و مرم در این بیت پس زمینه‌سازی شده‌اند.

(3.2. ذکر (Inclusion)

کارگزاران اجتماعی و عمایلین عمل را می‌توان به روشنی و صرحت در گفتنمان ذکر

کرد. ذکر کارگزار اجتماعی به شیوه‌های متعددی انجام می‌شود که در ادامه به آن ها

اشانه‌ای خواهد شد.

(3.1. تعین نقش (Role Allocation)

همان طور که پیشتر ذکر شد، در نظر ون لیوون، در اکثر مواقع بین کارگزاران

زبان‌شناسی و با کارگران جامعه‌شناسی رابطه مستقیم وجود ندارد و به همین دلیل

است که وی در تحلیل فلسفه‌ای به چنین شاخه‌های زبان‌شناسی از شاخه‌های

جامعه‌شناسی - معناستی استفاده می‌کند. یکی از راه‌های بازنمایی کارگران اجتماعی،

مشخص کردن نقش آناهیست. در تعیین نقش باید منشی خود که چه کسی عامل

(عکس) کارگزار می‌تواند با نقش

(عکس) کارگزار اجتماعی همان

(عکس) نیروی فعال و برای و در حقیقت عامل عمل (کنشگر) است. در «فعال سازی» (Activation)

کارگزار اجتماعی به گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی پذیرنده

عمل است و به آن تن‌منه‌های

در منفعل سازی ممکن است کارگزار اجتماعی به طور مستقیم موضوع یا هدف

عمل قرار گیرد؛ به‌عنوان مفعول واقع شود که در این صورت «موضوع سازی»
دوال نفع سازی (Beneficialized) 

شده است. در جاهایی، کارگر اجتماعی به طور غیرمستقیم دریافت کنندگان نتیجه عمل می‌شود و از سود یا زیان عمل متاثر می‌گردد. این حالت این نفع سازی (Beneficialized) گویند.

دوالت روس از شمال رایت کین برفرشته

به غصب ایران سپس پیش کند پاداشت

(همان: ۲۵۸)

در این ابیات، دولت روسیه با عنوان عامل حمله نظامی به ایران در سال ۱۹۹۰ ش. معرقی شده است.

یک جماعت را قرار فسرده است گلو

یک جماعت را سرگشته است کمر

(همان: ۲۴۴)

سالن‌های روس در سال ۱۹۹۰ ش. به حرم مطهر امام رضا (ع) حمله کردن و جمعی از زوار را کشتند. در این بیت عاملین عمل آشکارا پیام شده‌اند.

چون که نهادید بر قانون و بر خویش احترام مستبدین از شما یک چشیدند. انتقام

(همان: ۲۴۰)

موضوع سازی

بهشته‌ده مرد و زن از بومی و زوار و غرب

داده جان از بیورش لشکر روس کافر

(همان: ۲۴۴)

لشکر روس عامل حمله به حرم امام رضا (ع)، ویران آن‌ها و کشتی شدن مردم است. مردم و زوار به طور مستقیم هدف عمل قرار گرفته‌اند و موضوع‌سازی شده‌اند.

کشتی و جبهه گشته و این به یتران بدل من رهت از حمله ای از شاهزادی

(همان: ۲۳۹)

این بیت اشتهار دارد به کشتی شدن و اعظام فرو زنی در سال ۲۰۰۳ به دستور رئیس شهربانی وقت. عامل شهربانی عاملین عمل بهشته و واعظ فروزینی پذیرنده عمل.

گذی نفع سازه

نصف مردم را چاقوس و مفتش کردن

از زن و مرد فکرند به جان احترار

(همان: ۲۷۲)
تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار اسیاتی‌زبان ملک شمیرا بی‌پره 

در این بیت، عمال رضایه به عنوان عامل تبدیل کردن مردم به جاموس معرفی شده‌اند و نقص مردم به طور مستقیم هدف این عمل قرار گرفته‌اند. یعنی به جاموس شده‌اند. «آخرین» به طور غیرمستقیم از نتیجه‌ای این عمل که همان تبدیل مردم به جاموس است، متاثر شده‌اند.

(Reference Allocation) 

3.2.1.2.2. تعیین نوع اشاره (Personalization) 

نوع دیگر «ذکر»، «تعیین نوع اشاره» است. در این بخش، کارگزار اجتماعی می‌تواند به صورت انسان‌یا غیرانسانی توصیفی‌های شود. در «انسان‌نامی» (Impersonalization) کلمات با پدیدار خصوصی می‌شود. در حالی که در «غیرانسان‌نامی» (Impersonalization) 

فاقد خصوصی معنایی (+انسان) باشد.

(Impersonalization) 

غریرانسان‌نامی (Abstraction) 

خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: اول «انرژی‌سازی» که در این حالت، کارگزار اجتماعی به وسیله‌ی صمیمی و راه‌آهنگی با خصوصیتی انسان‌نامی می‌شود که در ذهن تصویرساز است. برای مثال، مهاجران سیاه و بی تجربه که به صورت غیرقانونی وارد استرالیا شده‌اند. با صفت «معنی‌لا» انسان‌نامی 

می‌شوند. (ون لیوون، 2008)

و انگه یکی فرشته برانگیخت تا به قهر خانم برونش کشد ز کف دیو دبسگال (همان: ۴۶)

مارات از «فرشته میرزا علی اصغر خان اتایک» اعظام است و از «دیو دبسگال» عئین 

الدولت صدراعظم مظفرالدین شاه. 

آن زن‌گان این راهای تعریف از چنگی آن هرکو اولده به خون این گله چنگدان (همان: ۵۶)

منظور از «طمعه» و «گله» ملته و کشور ایران است.

خور آمد به مهابود که شد کشت بهار زن خیر دیوچگان خنده به قهقه زدنده (همان: ۴۰۰)

شاعر با استفاده از لفظ «مهابود» به «درگاهی»، رئیس شهیدی بی سال، ۱۳۱۳، 

اشهاره می‌کند و کلمه‌ی «دیوچگان» عمال شهیدی را توصیف می‌کند که قصد ترور بهار 

را داشتند.
عکس مقاله شعری‌زهی (بروستان ادب)، پژوهشکده، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴ (پاییز ۲۴)

(عثمان هاشمی)

الف) مکان‌نام‌یابی (Spatialization)

در وکا و وزرا نیز نمایندگان کار کارگزار با اشاره به محل کارشان، اداره نظیم، تصویرسازی کاری کرده‌اند.

(همان: ۴۷۲)

ب) سخن‌نام‌یابی (Utterance autonomization)

در این روش، کارگزار اجتماعی با اشاره به گفتگو و سخنانش بازنشسته می‌شود. بزرگسالی و گزارش‌های مرکز تحقیقات گویندگی و زبان‌نویسی، محرک نخورده در ماه مبارک رمضان با اثر پرخاشگری و کاهش پینایی می‌شود. در این جمله، کارگزاران اجتماعی که همان متخصصان مرکز تحقیقاتی هستند، با استفاده از کلمات تحقیقاتی و«گزارش‌های بازنشسته شده».

(همان: ۸۹۶)
توصیف سازی کارگران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک النصر ایران

در این بیانات، شاعر حديث نفس می‌کند و با اشاره به اجزای بدنی، خود را مخاطب قرار می‌دهد.

(د) ابزارنامه (Instrumentalization)

نوع دیگر عیینی سازی، »ابزارنامه« است که در آن کارگر اجتماعی به کمک وسیله و ابزاری تصویرسازی می‌شود که با آن عمل خود را انجام می‌دهد.

نک باید و ببینید که در کاخ رضا تور و برانگر روس است که افکنده شیر

(همان: ۲۲۲)

تبر باریده بر ایشان ز دوسو چون باران تور غریده بر ایشان ز دو سو چون تندر

(همان: ۲۲۴)

در دو بیت بالا ارتش رس با کلماتی چون »تبر و تور« بازمی‌آیند شده است.

(پ) انسان‌نامه (Personalization)

انسان‌نامه» می‌تواند به دو صورت کلی انجام پذیرد: اگر در بازنمایی کارگر

اجتماعی هوبست کارگر با نوعی مشخص شود، از شیوهی »مشخص سازی (Determination)

استفاده شده است و اگر کارگر با صورت افراد و یا گروه‌های (Indetermination)

نامشخص و ناشناس تصویرسازی شود، آن گاه نامشخصی سازی (به کار رفته است. در »نامشخص سازی« معمولاً از ضعایب مهمی چون »بعضی برخی«،

عده‌ای، کسی، گروهی و ...) استفاده می‌شود.

نامشخص سازی

کاسار نمودن به ویرانی ایران

(همان: ۳۳۸)

جمعی یپ ترحم خیابانی مظلوم

اجلاس نمودن نجیبانه دریب بوم

(همان: ۳۳۸)

ندرتا گرسی از حالت مردم عرض

در بر شاه کند، زود نهندش بته کنار

(همان: ۴۷۳)
الف) پیوند گذاری (Association) و گسترش گذاری (Dissociation)

هیکی از شیوه‌های که در آن کارگزاران اجتماعی متون و یا صورت‌گردهای اجتماعی شونده، «پیوند گیاهی» است. هرگونه کارگزاران اجتماعی صورت‌گرده با استفاده از هندسه و دیدگاهی خاص با هدفی واحد داشته باشند. در این حالت، «پیوند گیاهی» به کار رفته است. در «پیوند گیاهی» معنی‌داری از حروف ربط همبستگی ساز استفاده می‌شود. این صورت‌گردهای کارگزاران جدای و منفی از هم تصویربرازی شوند.

عامل این دفعه‌ها به همین نظیمه است که وکلا و وزرا نیز نمایندگان این کار (همان: ۴۷۳)

وکلا و وزرا، که در این بیت پیوند گیاهی شدهاند، نیز مانند عمال نظیمه در پی حیله‌گری و آزار خلق هستند. چون ژوهانس و ندیمان و وزیران گشتند متحد با هم، شاه از که به عاد تنگه‌ای (همان: ۴۷۳)

ژوهانس، ندیمان و وزرا با هم متحد شدهاند و اخبار جعلی به شاه گزارش می‌کنند. تا به کی شاه و رفیقانش نمایند شنم جند ملت را دوستند به مانند غم (همان: ۵۱۷)

(ب) تمایز گذاری (Differentiation) در روش «تمایز گذاری» بین کارگزاران یا گروه‌های از کارگزاران با افراد و گروه‌های دیگر تمایز قائل می‌شوند؛ بنیان «خود» را از «غیرخودی» ویا «اما» را از آنها تفکیک می‌کنند.

جرمی این مقایسه که در این ملک مردم دکترند و دیگر سانس (همان: ۴۲۶)

بانزده روز است تا جایی در خندندان بود بند و زندان کی سزاگر خرده‌دنن بود (همان: ۵۱۲)

در این بیت شاعر که از گروه خرده‌دان است، خود را از دیگر مردم متمایز می‌داند. شاهنا کی بود بهار گرسنه خانن عین و درست‌گر سن (همان: ۵۲۳)

تا نکو باشند درباره ما نیست او... شاه خود کیست یا کیت و آنانی او (همان: ۱۲۷)
تصمیم‌گیری کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک الشعراء پهلوی

(نام‌بری و مقوله‌بندی)

کارگزاران اجتماعی می‌توانند یا بر اساس هیئت خاص و منحصر به فرد خود بازنمایی شوند که در این صورت شیوهٔ 'نام‌بری' به کار گرفته شده است یا بر اساس هیئت جمعی شان نمایانده شوند؛ هرکدام که در ارتباط و کار با دیگران برای کارگزار شکل می‌گیرد، یعنی به کارگری شیوهٔ 'مقوله‌بندی'.

نام‌بری معمولاً یا به کارگری اسم خاص انجام می‌شود که می‌تواند رسومی (صرفاً نام خانوادگی) نیمه رسومی (نام و نام خانوادگی) یا غیررسمی (فقط نام کوچک) باشد. کاهی اوقات برای نامیدن اشخاص از الفاظی کون 'فلانی'، 'طرف'، 'آقا/خانم' الفف و نظیر آن استفاده می‌شود که اینها هم نام بری قلمداد می‌شوند.

در تمام موارد ذکر شده، نام بری فقدان عنوان دهى) (تیتولاسی) به دست می‌آید؛ بدنی معنا که هنگام لقب، سمت یا عنوانی بر سر اسم نیامده است. نام بری می‌تواند به دو روش عنوان دهى شود. نخست 'لقب دهى' (هonorific) تعیین شده و نظیر آن بر سر اسم کارگزار اجتماعی. القابی چون شاه، شاهنشه، خسرو، ملک، پادشاه و سرهنگ در شعر بهار به کثرت دیده می‌شود. روش دیگر عنوان دهى، 'پیوندجویی' (ایالات) نام دارد. در این روش، کارگزار اجتماعی بر اساس روابط سبیب و نسبی خود بازنمایی می‌شود؛ مانند عموی‌لی، عمه مربی، دایی احمد.

نام‌بری

مجلس بر افتولان و معمولی به روس

لقب‌دهی

نزی رو دادی سرهنگ محمدخان را تا به نام تمرنی برآورد ز سر خلیق دمار

(همان: 475)
چندانکه که در صورتی که کارگزاران بر اساس هویت جمعیتی، تصویرسازی شوند، «موقف‌های» صورت گرفته باشد. مقوله‌نگری خود سه زیر مجموعه دارد که عبارتند از: «کارکردنامه»، «هویت‌نمایی» و «ارزش گذاری».

(کارکردنامه) در «کارکردنامه»، کارگزاران اجتماعی بر اساس شغل، وظیفه، مسئولیت و نقشی که دارند، معرفی می‌شوند.

اين وزیران كاروان غفلتند و كلا را به مثل دور شدند. غوش‌ها از خروش مکنده بهدام سالها نمایندگي روزنامه نويس بوده مين با افضل جليس بودم من (همان: 836)

(Identification) هویت‌نمایی خود سه زیر مجموعه دارد؛ اول «طبقه‌بندی» که در این حال، کارگزاران اجتماعی بر اساس دسته‌بندی‌های اصلی بازنمایی می‌شوند. چون آنها جامعه با بهره‌های اجتماعی، طبقات مرم می‌رود و هم‌مانند می‌شودند؛ این دسته‌ها عبارتند از: سین، جنس، مذهب، طبقه اجتماعی، ثروت و درآمد، زadanگان و نظر آن. این دسته‌بندی‌ها از فرهنگی به فرهنگی دقیقاً در این پژوهش در ساختار تاریخ دگرگونی ما پذیرد. در بیان طبقه‌بندی مرم در اساس هویت پایدار و تغییرناب‌پذیر خوشی، دسته‌بندی می‌شوند.

خاناهات یکسره ویران شد ای ایرانی (همان: 197)

مردم ایران در این بیت بر اساس هویت جمعی خود (ایرانی بودن) نشان داده شده است.

(بحث) چگونه که نبات قدمی داد بروز

نشد ای غارت و هستند سرانت سردار (همان: 473)
تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار انسانی: صورت گرفته است. در این بیت طبقه‌بندی بر اساس صورت گرفته است.

کارگزاران اجتماعی بر اساس نسبت و روابط فردی، شخصی، خویشاندی، دوستانه و مشغی بازنمایی می‌شوند؛ برای مثال: خواهرم، همسرها، مادر، مایم، استاد و...

رفت و پروندش بین گرخ خلق باربادی و امبر و سبد و سورور

منظور از "پرو توان" مظفرالدین شاه است.

آل عباس از چه دیری سید و سلطان بندن، لیک تا بودن دستاویز این و آن بندند

(همان: ۳۸۶)

Physical Identification

نوع سوم، "هوری نمایی وضعی" (هوری نمایی ظاهری) است که عبارت است از تصویرسازی کارگزاران اجتماعی بر اساس خصوصیات ظاهری و وضع جسمانیشان.

از پس یک دو ساعت، آمد پیش

صورتی گرده و چهره‌ای مغور

(همان: ۳۸۹)

Appraisement

(آرزش گذاری)

نوع سوم مقوله‌بندی "آرزش گذاری" است. در این شویه، کارگزاران اجتماعی با استفاده از اصطلاحات آرزش و صفات خاصی نمایانده می‌شوند؛ علی‌رغم می‌شود آنها را به صورت خوب یا بد، دوست داشتنی یا نفرت‌انگیز، زشت یا زیبا، خاننی یا واقدار و...

آرزش گذاری منفی

(همان: ۷۶۰)
اشکال متعددی از جمله مسئله‌های زمانی (Overdetermination) و تغییراتی در زمانی (Anachronism) و تغییراتی در طرح‌های اجتماعی و عامل‌شناسی به زمان‌ها و حتی مکان‌های مختلف مختلفی می‌تواند کار باشد. این نوع از تغییرات در زمانی است که به طور متضمن ذکرشده نیست: مثلاً برای فنی‌های اجتماعی و اجتماعی که ذکرشان حتماً با سانسور مواجه خواهد شد. از نمونه‌های زمانی پریشی می‌توان به فیلم 'شب‌های پرده‌ای' بی‌توجهی و 'فهنه‌های اشکاره کرد. در این نوع اجتماعی ها، حضور، مکان و طرزی پوشش و لباس افراد همیشه زمان‌گذشت است: اما بحث و کشف‌و‌گرفتی بازیگران همگی مسائل اجتماعی و سیاسی روز را نشان می‌دهد از جمله عمل کردن پنی در خانواده در خارج از کشور و نظری آن. در هنگامگردی، کارگران اجتماعی که در فعالیت‌های مشخصی شرکت دارند، با اشاره به کارگران اجتماعی که در حال معمول
تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملل‌الشعرای پارس... ۱۳۷۷

مجاز به شرکت در آن فعالیت‌ها نیستند، تصویرسازی می‌شوند. از این رو، در کتاب‌های داستانی و فیلم‌های گروه‌های کارگزاران، بیان استفاده می‌شود. از نمونه‌های هنرگری می‌توان به فهرمانان قصه‌ها در کلیهٔ رمتوانه و مزین‌دانه آنها کرد.

دوهمین زیرمجموعه مشخصات نمایی چند عاملی، نمادآوری (Symbolization) است: یعنی استفاده از یک کارگزار اجتماعی تخلیه و غواصی در یک کارکرد اجتماعی واقعی این کارگزار تخلیه می‌تواند شخصیتی اسطوره‌ای و مربوط به گذشته‌های دور باشد.

من آن مرگ که سیم‌رگ فکنده‌است بخاطر افتداد آن شهوارم (همان: ۵۱۹)

مراد از سیم‌رگ، رضایت است که به صورت شخصیتی اسطوره‌ای نشان داده شده است.

پشت احترام به پشت سفه‌ها حم تا کی ظلم ضحاکان در مملکت جم تا کی؟ (همان: ۵۱۷)

ضحاک، نماد ظلم و ستم است و منظور بهار، عمال و کارگران شهرداری می‌باشد.

زیب و جمم‌معبی سوم یعنی (دلات ضمینی) (Connotation)، وقتی اتفاق می‌افتد که از یک مشخص نمایی خاص (یک نام بری یا هیجان‌نمایی ظاهری) به جای طبقه‌بندی یا کارکردنمایی استفاده شود. در واقع دلالت و معنی ضمینی را آباد، سنن و رسوم فرهنگی مشخص می‌کند؛ برای مثال استفاده از عنوان «نارنجی پوست» برای یک فیلم، ضمن اشاره به لباس و وضع ظاهری و فنگری، به طور ضمینی بر حرف و شغل آنها هم دلالت می‌کند؛ یعنی عبارت نارنجی پوست تداعی کندیده یک حرفه هم است. به کار بردن لفظ «کاکاسیا» برای سیاه‌پوستان، علاره بر اینکه به وضع ظاهری آنها (پوست سیاه) اشاره می‌کند، نظر گوننده را هم دربارهٔ این طبقه از مردم بیان می‌نماید.

چهارمین زیرمجموعه، تخلیص (Distillation) (است. در این حالت، صفتی خاص از گروهی از افراد انتزاع می‌گردد، سپس به هرکی از افراد آن گروه و گروه‌های مشابه اطلاق می‌شود. برای مثال تعبیر «فرشته‌های نجات» را در مورد ساموراهان آتش‌نشانی، پرتشکان، مدک‌های اجتماعی و کارکنان اورژانس به کار می‌برم؛ چرا که همواره این افراد به صفتی واحد موصوف هستند که همان «نجبات بهره‌وران» چنین انسان‌ها می‌باشد. (یاریمحمدی، ۱۳۸۵: ۷۱)
مشخص کردن مرجع عام به یا خاص، روش مهم دیگرشی در تصویرسازی کارگزاران اجتماعی است؛ کارگزاران اجتماعی می‌توانند به صورت گروه یا به صورت افرادی با همیا مشخص و معین بازی‌نامی‌ای شوند. اگر کارگزاران اجتماعی به صورت گروهی (Generalization) به کار رفته است و اگر به صورت افرادی با همیا مشخص مستقل ( الخاص نگری) (Specification) در جمله دویژر بهداشت، درمان و خدمات پزشکی گفت که نوپرستی بیش از هر گروه دیگری در معیار بیماری ایزی قرار دارد، وزیر بهداشت خاص نگری شده است و نوپرستی گامی از خاص نگری خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: فردی سازی و همگون سازی. در فردی سازی (Individualization) کارگزاران اجتماعی به صورت افرادی مستقل تصویرسازی می‌شوند (همانند نامبردی) و در همگون سازی (Assimilation) به صورت یک گروه با خصوصیات و یا اهداف مشابه. همگون سازی هم شامل دو زیر مجموعه می‌شود؛ اگر کارگزاران اجتماعی به صورت عده، رقم و آمار نشان داده شوند، «گروه‌بندی» (Aggregation) در کار است و اگر به، اشترابی سازی (Collectivization) باشد به این ترتیب توجه کرد که در تحلیل گفتمان انقادی فردی سازی به اهمیت زیادی دارد. (دون لیبون، 2008)

فردم سازی

ناصرالملک از فردی سازی چه یادت

جذ تنبله‌هاي سربان دریک

(همان: 219)

به سان رستم دستان و پاکرخان

ستاده تنها ستارخان و باقرخان

(همان: 166)

در ایبات بالا، کارگزاران اجتماعی به صورت افرادی مستقل و با همیا مشخص به فرد به تصویر کشیده شدهاند.

گروه‌بندی

جان و مال و شرف و عرض اهالی باشند

اندرین شهر به دست دوست سرمدیار

(همان: 472)
تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملت شعرای پهلوی

سی چهل بن شرف و مغرض و دزدند که هست کارشناد دوری خدمت وطن از دربار
(همان: ۴۸۷)

اشتراکی سازی

در سایه قانون سر قانون طلبان را
از تن بریدند و نکردن تجاذب
بریتاد قرار خون خوار کرد
به سریالی خوری همیناتی
(همان: ۴۸۳)

این ویکی اهمیت را به فرمائش رضایان بودند، همه از عهد ششم جالسی این مجلس سور
(همان: ۴۸۰)

بحث

همانطور که پیشتر ذکر شد، از مبانی مؤلفه‌های جامعه‌ای متاناپی برخی صریح و
روشن است (explicit) و برخی دیگر پوشیده (implicit). مؤلفه‌های حذف، جزء
مؤلفه‌های پوشیده است؛ دیگر مؤلفه‌های پوشیده عبارتند از: منفی‌سازی،
غیرانسانی، نام‌مکانی، مشخص‌مکانی، مشخص‌نامی، فردی، عاملی، ضریبی، شماره‌ی،
فعال‌سازی، نام‌بی، فردی‌سازی، برست‌نامی، اشتراکی‌سازی، گروه‌بندی و
تمایز‌گذاری جز مؤلفه‌های صریح است.

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع ارجاع به کارگزاران اجتماعی</th>
<th>پوشیده</th>
<th>صریح</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>غیرانسانی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>نام‌مکانی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>مشخص‌مکانی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>مشخص‌نامی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>فردی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>عاملی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>ضریبی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>شماره‌ی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>فعال‌سازی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>نام‌بی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>برست‌نامی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>اشتراکی‌سازی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>گروه‌بندی</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>تمایز‌گذاری</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

در جدول زیر تعداد رخ داد و درصد هریک از مؤلفه‌های که تعداد مدار مشخص شده
است.
طبق محاسبات، 238/7/60 از کل ارجاعات، بپویشده است و 29/61/29 ارجاعات به صورت صریح بکار رفته است. با توجه بهain موضوع که بهار مؤلفه‌ای ارزش‌گذاری را در اکثر جاها همراه با نام برای و فردی سازی به کار برده‌ای به گونه‌ای آن را استفاده کرده است که مرجع ان مشخص باشد (بعنی شخص، قابل شناسایی باشد.) در اینجا می‌توان ارزش‌گذاری را هم به نوعی ارجاع صریح به حساب آورد. در این صورت درصد ارجاعات بپویشده 23/69/23 خواهد بود و درصد ارجاعات صریح 23/69 در ایات توصیف شده، در مجموع 2797 بار از مؤلفه‌های جامعه‌شناسی - معنای استفاده شده است. نام‌بری و فردی سازی به عنوان صریح ترین مؤلفه، هر کدام 153 مرتبه و جمعاً 630 مرتبه تکرار شده است. با افزودن لقب دهی، از زیر مجموعه‌های نام‌بری، با 49 بار تکرار، این رقم به 300 می‌رسد. این مؤلفه‌ها در مجموع 30/64/64 از کل ارجاعات را شامل می‌شود. این رقم نشان می‌دهد که نام برای، فردی سازی و لقب دهی با پیشترین بسادم در مرتبه اول قرار دارد; بدن معنی که بهار
تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی ملل متحد بیضا... 131

برای پایان‌یابی کارگزاران اجتماعی، صریح‌ترین روش را به کار برده است. مظهر از لقب دهی به کار بهنام افتاده مثل شاه، ملک، شاهنشاهی، خسرو و غیره است که در هر زمان بهار با به کار بردن آنها، به صورت صرف و روش پادشاه وقت را هدایت فرمان داده است. ارزش گذاری با 196 بار تکرار، در رتبهٔ دوم قرار دارد. از این میزان، 75 ارزش گذاری به صورت مثبت به کار رفته است و 121 ارزش گذاری به صورت منفی.

بهار با استفاده از معرفی ارزش‌گذاری وا بهره‌گیری از کلیمات و عوارض خاصة، نظر و عقیده‌دهی خود را که همان آزادی خواهی، ستم‌سری و مجلسی است، به م一件事ه بیان می‌کند. وی هرگاه از مشروطه‌طلبان و سران مشروطه سخن به میان می‌آورد، آنان را با صفات مشیتی جو «مجادلان» به‌دور، «مجادلین دانای»، «وطن دوستمان»، «احرار»، «قانون‌طلبان» و «تجدیدطلبان» توصیف می‌کند. وی برای اشاره به مخالفان مشروطه، عمال نظمی و شهدازی، پادشاهان سنتی پیشه و دشمنان ملت و آزادی، صفایی‌نیز به‌گویان، به‌پایگان، «بدخواه دنیا، اشرار»، «خاندان دین» و «بدخواه ما» را به کار می‌برد تا نفرت از آن‌ها در دل مردم جای کند.

اشتراکی سازی با 186 مرتیب رخ داد، در رتبه سوم قرار دارد. بهار زمانی از این مؤلفه بهره می‌برد که قصد دارد گروه مشخصی از افراد را در کار هم به تصویر بکشد که هدف واحده‌ای دارد. از نمونه‌های اشتراکی سازی می‌توان به نمونه‌های همچون مستندین، مشروطه‌خواهان، «ملت ایران»، «عمال شهرداری» و «مردم فرمان و خراسان» اشاره کرد. سالم، اشاره فعال سازی 151 عدد است. در طول زندگی بهار، مظفرالدین شاهی، محمدعلی شاه و احمدشاه از خاندان قاجار و رضاشاه و محمد رضا و شاه از خاندان پهلوی از ایران حکمرانی کرده. بهار این پادشاهان را به طور صرف و با استفاده از الغابی‌های پادشاه، شاه، ملک، خسرو و شاهنشاهی حذف قرار داده است. در زیر، مؤلفه‌هایی به کار رفته برای هرکی از پادشاهان و به‌سادگی آنها مشخص شده است.

<table>
<thead>
<tr>
<th>نام بری و فریدی سازی</th>
<th>فعل سازی</th>
<th>ارزش‌گذاری منفی</th>
<th>لقب‌دهی</th>
<th>مظفرالدین شاه</th>
<th>محمد علی شاه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>8</td>
<td>5</td>
<td>121</td>
<td>30</td>
<td>3</td>
<td>2</td>
</tr>
<tr>
<td>7</td>
<td>6</td>
<td>10</td>
<td>4</td>
<td>1</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
سiran مشروطه از جمله ستارخان، باقرخان، سهیدار اعظم، سردار اسعد، بختیاری، ضرغم و قصص همگی با به کارگیری مؤلفه‌های نام بری و فرفید سازی و ارزش گذاری مثبت و فعال سازی بیشتری نمی‌باشد. موضوع سازی بیا ۹۳ بار تکرار یافت/۱۷/۷/۱۷، پرکاربردترین مواد در بین مؤلفه‌های پوشیده است. کارکرد درمانی با ۶۵ بار رخداد، در ترتیب‌های دوم قرار دارد. بهار در ذهن جهانی که از این مؤلفه استفاده کرده است، وکیلی و وزیران را خطاب قرار داده تا به نوعی مستندیشان را در قبل مردم متنگر شود.

مؤلفه انتزاعی سازی در کل ۴۳ بار تکرار شده است که در بین مؤلفه‌های پوشیده در مرتبه دوم قرار دارد. از نمونه‌های انتزاعی سازی می‌توان به عباراتی مثل: "فرشته شیر"، "اُمران"، "مهدی‌ها"، "دیویچ‌گان"، "بی‌سرماصوص" و "رویه در" اشاره کرد. این عبارات برای اشاره به مستندین و دشمنان ایران به کار رفته است. دیگر مؤلفه‌های پوشیده پرکاربرد بیشتر از: مكان‌نماهنگ، گمنامی و طبقه‌بندی؛ اما درصد آنها به نسبت کل مؤلفه بسیار اندک است. باید همکاری کم و مكان‌نماهنگ هر کدام تناها ۲۲ بار تکرار شده است. ۴۷/۵٪ کل مؤلفه‌ها. بنابراین اگر مؤلفه‌های پوشیده را به صورت مجزا در نظر بگیریم، درصد بیشتر از کل مؤلفه‌ها را شامل می‌شوند که این خود دلیل است بر سرخبار بی‌خواب در بانوان از کارگران اجتماعی و تأکیدی بر این موضوع که اوضاع سببی وقت و روزگار پرآشوب سالهای ۱۲۸۳ تا ۱۳۳۰، بهار را از بیان حقیقت بار نداشته است و یو همچنین به روشی گری خود ادامه داده است.

نتیجه‌گیری

بهار در طول زندگی خود شاهد و قبیله چون انقلاب مشروطه، استبداد صغری، کردنای ۱۲۹۹، دخالت‌های دول روس و انگلیس در ایران، دوران خلقان رضایت‌ناهی، جنگ
تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سنگین مکش شعره بار... 

بيهانثيل درده و دعا واقع درگ بوهد است. وی به خاطر اینكه صریح و به پرده سخن 
می گفت و حکم و اعمال مستبدان شان را عامل فقر و بدیخبی مردم در دانسته، پاره ای 
و در دوره‌های مختلف از جمله سال‌های 1940، 1949 و 1312، به شهرهای مختلفی 
چون بجور و اسفهان تبعید می‌شود و پاره‌ای نیز طعم زندان را می‌چشد.

با مطالعه و تحلیل اشعار بیهان، بین نکته پی می‌بریم که بقای آنها 

و خفقتان سیاسی و فضایی بسته‌ای است که روزگار هیچ‌گاه باعث نشد که بهار از هدف وای 
خود دست بردارد. به همکاری مردم و برقراری عدلند و آزادی در جامعه است، و 
روی همکاری با سلاح قلم و زبان به مبارزات خود ادامه داده است. کوده‌ای بین مدعه 
بسامد پرشمار به کارگیری منافع‌های فام بری، فریدی سازی و قربانی ایست. طبق 
نظریه ون لرونت، کاربرد این منافع‌های صریح‌ترین روش تصویرسازی کارگزاران 

اجتماعی می‌باشد.

بهار با کمک منافع‌های فام مدار، نظر، عقیده و ایدآلولوژی خود را که همان 

وطن‌پرستی، عدالت طلی و آزادی خواهی بوهد است را به خواننگان اشعاره قلاده 
می‌کند و آنها را به حمایت از مشروطه و مقاومت در برای ظلم شاه و عمال مستبدش 
دعوت می‌کند. نکته‌ی در خور توجه این است که بهار بارادشان زمان خوشی را به 
صورت یکسان و با به کارگیری منافع‌های قربانی، ارزش‌گذاری و فعال سازی به 
تصویر کشیده است و گذر زمان هیچ تغییری در ستم ستمی و آزادی خواهی وی به 
وجود نیاورده است.

فارسی مبارک


پوستن، آنا و بابک مهین، مرتضی. (1394). اتحال حمایت گفتیک ناپذیر از ایسه ابراهیم 
کلیشا به سمت منافع‌های جامعه‌شانی‌گی-منافع‌های مدار با توجه به 
بازنگی کارگزاران اجتماعی، فصلنامه جستارهای زبانی، شماره‌ی ۱، صص ۱- 
۲۵.

تحیری، لیلا. (1394). شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن 

از شاهانه و بهمن‌نامه (بر اساس منافع‌های جامعه‌شانی‌گی-منافع‌های در تحلیل 
گفتیک)، فصلنامه‌ی پژوهش‌های زبان و ادبیات نضبا، شماره‌ی ۲، صص ۱۲۵-۹۲.
حيدری تبریزی، حسن و زرموگو، سیدآیت‌الله (1384)؛ 'شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناسی-معنایی'، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره 195، صفحه 1-31.